

دیدگاه

لاف و گراف، آفت جامعه علمی*

محسن علیشاهیها



قبل از هر چیز لازم می‌دانم از برگزارکننده‌های این همایش تشکر کنم که این فرصت را در اختیار من قرار دادند.

از زمانی که مطلع شدم که این وقت در اختیار من قرار گرفته، با خود فکر کردم که جوان کم‌تجربه‌ای چون من چه چیزی می‌تواند در این مدت بگوید. البته جواب جالبی نیافتم، اما موضوعی بود که مدتها ذهنم را به خود مشغول کرده بود و احساس کردم این بهترین فرصت است برای بیان آن.

شاید همگی خواننده یا شنیده باشیم که مثلاً یک نابغه ایرانی فرمولی را کشف کرده است که توسط بزرگترین کامپیوترهای جهان نیز اثبات شده است که با این فرمول بسیاری از مشکلات علم موجود از پزشکی گرفته تا فیزیک و شیمی قابل حل است. البته وجود چنین مدعیانی تنها مختص ایران نیست. به یاد دارم وقتی که در مرکز تحقیقات فیزیک ذرات بنیادی اروپا (CERN) واقع در سوئیس کار می‌کردم یک انگلیسی هر چند هفته یکبار به دیدارم می‌آمد و در مورد کشفیات و مقالاتش صحبت می‌کرد، که البته تنها استفاده‌ای که برای من داشت تمرین انگلیسی بود. چنین افرادی کم نیستند، اما چیزی که گاهی در ایران اتفاق می‌افتد تبلیغ و حمایت رسمی از این افراد است. البته نه برای چنین فرمولی بلکه برای چیزهای مشابه. شاید در انگلیس نیز چنین اشخاصی وجود داشته باشند ولی هیچ‌گاه به طور رسمی از آنها سخن به میان نمی‌آید.

این یکی از آفتهای جامعه علمی است. یعنی بزرگنمایی و غلو، چیزی که نیستیم بگوییم هستیم، چیزی که نیست بگوییم هست و چیزی که نمی‌دانیم بگوییم می‌دانیم.

اجازه بدهید ابتدا چند مثالی بزنم، سپس به این موضوع بیشتر خواهم پرداخت.

بسیار دیده یا شنیده‌ایم که مثلاً فلان نظریه مهم علمی در فیزیک که خیلی از دانشمندان بر روی آن کار و تحقیقات می‌کنند توسط یک ایرانی همانند نیوتن هنگامی که در یک باغ میوه قدم می‌زده، مطرح شده است. در حالی که اصلاً چنین نظریه‌ای وجود خارجی ندارد چه رسد به اینکه دانشمندان بر روی آن کار و تحقیقات کنند.

یا مثلاً شنیده‌ایم که بزرگترین مراکز تحقیقاتی جهان و یا معروفترین دانشگاههای دنیا مثل هاروارد، پرینستون و یا ام. آی. تی. از یک نابغه ایرانی دعوت به همکاری کرده است. وقتی دنبال آن را می‌گیریم متوجه می‌شویم که در بهترین حالت این شخص تنها یک سری فرمهای تقاضا از آن دانشگاه دریافت کرده است که البته هر شخص دیگری نیز می‌تواند از طریق اینترنت آنها را دریافت کند.

متأسفانه از این مثالها کم نیست اما موضوع اینجاست که این مطالب در جامعه‌ای خریدار دارد و مورد پذیرش قرار می‌گیرد و گسترش می‌یابد که بستر علمی مناسب در آنجا وجود ندارد.

کشور ما به عنوان یک کشور در حال توسعه علمی رغم پیشرفتهای چشمگیری که در زمینه علم و صنعت داشته متأسفانه دارای یک بستر مناسب علمی نیست و از این نقیصه رنج می‌برد. نمودش همین مثالهایی است که بیان شد.

برای ایجاد یک بستر علمی مناسب نیاز به تلاش، صرف وقت، مدیریت علمی صحیح و ارتباط مداوم با مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی سایر کشورهای دنیا داریم. علم را نمی‌توان یک شبه فراگرفت و رسیدن به تکنولوژی بالا در اطاق بسته و با گوشه‌گیری و در مدت کوتاه میسر نمی‌شود.

اگر چنین بستر مناسب علمی نباشد، اگر مدیریت علمی صحیحی نباشد، آنگاه جا برای غلو و بزرگنمایی و یا به تعبیر عامه خالی‌بندی باز می‌شود. و بنا به حال کشوری که دچار چنین وضعی شود، که در این صورت سرنوشت جوانان، علم و دانشگاهها و یا جامعه و کشور با یک‌سری غلو و ادعاهای پوچ گره خواهد خورد و سرمایه مملکت در جایی صرف خواهد شد که نباید و تنها عده‌ای سودجو از آن بهره خواهند برد.

البته بسیار جای خوشبختی است که مسئولین و به خصوص وزارت علوم، تحقیقات و فناوری چند سالی است که به این امر توجه ویژه مبذول داشته است و هم‌اکنون نه تنها به طور کمی بلکه از لحاظ کیفی هم به دستاوردهای تحقیقاتی توجه می‌شود.

چیزی که مهم است این است که ما جوانهای مستعدی داریم. به عنوان مثال همین قبول‌شدگان دانشگاهها و یا جوانان المپیادی. البته اجازه دهید مطالبی را نیز به عنوان گله در اینجا عرض کنم. همه ساله به محض اینکه جوانانمان در المپیاد مدالی کسب می‌کنند فوراً آنها را دانشمندانی جوان و... خطاب می‌کنیم و چنان عمل می‌کنیم که گویا کسب یک مدال یعنی پیشرفت علم در کشور و چون ما چنین مدالهایی را کسب کرده‌ایم پس پیشرفته هستیم. ولی همان‌طور که می‌دانید اینان فقط دانش‌آموزانی هستند که با صرف هزینه و برنامه صحیح علمی استعدادشان شکوفا شده است و البته می‌توانند دانشمندان خوبی نیز بشوند. ولی به شرط اینکه یک برنامه صحیح علمی و سرمایه‌گذاری درست برای ادامه تحصیل آنها داشته باشیم، چنانکه در سطح المپیاد یک برنامه صحیح علمی جواب داده است.

اینجانب به عنوان کسی که تمام مراحل تحصیلاتش از ابتدایی تا دکتری را در ایران گذرانده و توانسته است از یک مرکز تحقیقات معتبر جهان (CERN) پذیرش بگیرد و تعداد قابل قبولی مقالات علمی در سطح بین‌المللی ارائه دهد، این توفیق را مدیون مدیریت صحیح علمی می‌دانم. و همین‌جا لازم می‌دانم که از پژوهشگاه دانشهای بنیادی (مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات) به خاطر فراهم نمودن یک محیط علمی مناسب تشکر کنم.

تحت همین حمایتها بوده است که یک گروه ۱۷-۱۸ نفره در طی ۸ سال گذشته توانسته است بیش از ۲۰۰ مقاله در مجلات معتبر جهان (مجلات فهرست شده در ISI) با بیش از ۳۰۰۰ ارجاع به چاپ برساند.

این در حالی است که کل مقالات به چاپ رسیده از ایران در زمینه فیزیک نظری در طی این سالها تنها ۵۰۰ مقاله با حدود ۳۴۰۰ ارجاع است. یعنی تقریباً تمام ارجاعات مربوط به همان ۲۰۰ مقاله است.

کشور ما یک کشور غنی است با استعدادهای درخشان. اگر تلاش کنیم، درست عمل کنیم، درست سرمایه‌گذاری کنیم و از این استعدادها درست استفاده کنیم دیگر نیازی به غلو نداریم چرا که به آنچه بخواهیم خواهیم رسید به امید خدا. اما اگر غلو کنیم صاحبان همین استعدادها خواهند دید که آنچه گفته شده درست نبوده و آنها به جایی خواهند رفت که چنین مطالبی باشد و ما می‌مانیم و معضل فرار مغزها در بهترین حالت.

البته بیان این مطالب نفی کارهای انجام شده در کشور نیست. ما پیشرفتهای چشمگیری طی این سالها داشته‌ایم و امیدوارم که با تلاش مضاعف شاهد ایرانی آباد و شکوفا باشیم. ان‌شاء...

* متن سخنرانی محسن علیشاهیها، استاد فیزیک پژوهشگاه دانشهای بنیادی، در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاهها که در پنجم مهرماه سال جاری در محل دانشگاه تهران با حضور آقای خاتمی، رئیس جمهور، برگزار شد. دکتر علیشاهیها این سخنرانی را به عنوان محقق برجسته جوان و به دعوت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در این مراسم ایراد کرد.